



دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

علم خداوند در حکمت متعالیه با تاکید بر شرح منظومه ی حاج ملا هادی سبزواری

استاد راهنما

دکتر اصغر عین الله زاده

استاد مشاور

دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

پژوهشگر

الهام مالک ایمنجه

بهمن ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و شکر

ریشه‌ها به عمق می‌روند تا درخت‌ها سربه‌آسمان ساینند.

تقدیر و شکر فراوان دارم از پدر و مادر عزیزم که دعای خیرشان، همواره بدرقه‌ی راهم بود. دو عزیزمی که سختی‌ها را به جان خریدند و همواره چراغ راه من در مسیر نا‌هموار زندگی بودند.

سپاس فراوان دارم از جناب آقای دکتر اصغر عین‌اله زاده که با پذیرفتن راه‌نمایی این رساله مرا مرهمون الطاف خویش قرار دادند. همچنین جناب آقای دکتر قربانعلی کریم زاده قرائلی که با مشاوره‌های مشفقانه خود مرا یاری دادند. همچنین از همه کسانی که به نحوی گره‌گشای من در مسیر نگارش این رساله بودند سپاسگزاری می‌نمایم.

نام: الهام نام خانوادگی: مالک ایمچه موضوع: علم خداوند در حکمت متعالیه با تاکید بر شرح منظومه ی حاج ملا

هادی سبزواری

استاد راهنما: دکتر اصغر عین الله زاده استاد مشاور: دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فلسفه و کلام اسلامی

دانشگاه: تبریز دانشکده: الهیات و معارف اسلامی تعداد صفحات:

کلید واژه: علم خدا، علم نامتناهی خدا، جهان بینی، ایدئولوژی، اخلاق، حکمت متعالیه، ذات الهی، مخلوقات، برهان انی، برهان لمی، عاقل، مجرد، حضوری، حصولی

چکیده:

علم بی نهایت خداوند بر ذات خداوند و بر مخلوقات خود و اثبات آن بصورت صحیح و عاری از نقص، انگیزه ی اصلی نگارنده در نگارش این رساله می باشد.

حکمت متعالیه بهترین و کاملترین دیدگاه ها را در خصوص علم خداوند برمخلوقات ارائه کرده است. برای بحث در موضوع علم خداوند لازم است. که به عنوان پیش درآمد مباحثی مانند «اشتراک معنوی مفهوم وجود» و «اصالت وجود» اثبات گردد.

سپس به معنای لغوی و تعاریف اصطلاحی «صفت» و «علم» پرداخته شود و اثبات عینیت صفات خداوند با یکدیگر و همچنین اثبات عینیت صفات خداوند با ذات خداوند یکی دیگر از مباحثی است که باید اثبات شود.

از نظر ملاصدرا علم قابل تعریف نیست چون علم امری بسیط است و مرکب از جنس و فصل نیست.

اقسام علم از قبیل علم حصولی و علم حضوری، علم فعلی و علم انفعالی، علم اجمالی و علم تفصیلی نیز در این رساله تشریح گشته است.

علم خداوند به ذات خداوند، و علم خداوند به غیر خداوند یعنی مخلوقات، که هدف اصلی از نگارش این رساله می باشد بطور مبسوط در این رساله مطرح گشته است.

روش بحث ما همان روش ملاصدرا است که مبتنی بر قرآن و احادیث و استدلال و شهود قلبی است.

همچنین در این رساله دیدگاه های حکما و دانشمندان مختلف درباره ی علم خداوند آمده و نقد شده است.

از نظر حکمای حکمت متعالیه خداوند به ذات خود و به مخلوقات خود علم حضوری دارد و علم خداوند قبل از ایجاد مخلوقات به نحو اجمالی در عین تفصیلی می باشد. در صورتی که فلاسفه ی مشاء و اشراق به علم تفصیلی خداوند قبل از ایجاد مخلوقات قایل نیستند.

در عالم هستی، نظام احسن هستی حاکم است چون نشأت گرفته از علم نامتناهی خداوند می باشد.

مراتب علم خداوند تبارک و تعالی در حکمت متعالیه آخرین مبحثی است که رد این رساله به آن پرداخته شده است.

فهرست مطالب

.....	کلیات	أ
.....	مقدمه	أ
.....	زندگینامه حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ هـ . ق - ۱۲۸۹ هـ . ق)	۵
.....	بخش اول: در آمدی بر مساله ی علم خداوند تبارک و تعالی	۸
.....	فصل اول:	۹
.....	۱-۱: جایگاه مباحث الهیات به معنای اخصّ در فلسفه	۱۰
.....	۲-۱: وجه تسمیه برخی از تقسیم بندی های فلسفه یا حکمت	۱۲
.....	۳-۱: حکمت متعالیه، اصول و روش آن	۱۳
.....	فصل دوم:	۱۷
.....	۱-۲: اشتراک معنوی مفهوم وجود	۱۸
.....	۲-۲: شرح دلیل های حاج ملاهادی سبزواری بر اشتراک معنوی مفهوم وجود	۱۹
.....	۳-۲: اصالت وجود	۲۱
.....	۱-۳-۲: توحید ذاتی خداوند تبارک و تعالی و اصالت وجود	۲۲
.....	۲-۳-۲: توحید افعالی خداوند تبارک و تعالی و اصالت وجود	۲۳
.....	۳-۳-۲: توحید صفاتی خداوند تعالی و اصالت وجود	۲۳
.....	فصل سوم:	۲۵
.....	۱-۳: صفات خداوند تعالی	۲۶
.....	۲-۳: کلمه «صفت» در لغت	۲۶
.....	۳-۳: تعریف اصطلاحی صفت در فلسفه	۲۶

۲۷.....	تعریف صفت از دیدگاه عرفا.....	۳-۴:
۲۸.....	تعریف صفت از نظر متکلمین.....	۳-۵:
۲۸.....	امکان شناخت صفات خداوند.....	۳-۶:
۲۹.....	اقسام صفات خداوند تبارک و تعالی.....	۳-۷:
۲۹.....	صفات ثبوتی خداوند در شرح منظومه و اثبات آنها.....	۳-۷-۱:
۳۱.....	صفات سلبی خداوند تبارک و تعالی.....	۳-۷-۲:
۳۵.....	بعضی دیگر از صفات خداوند تعالی.....	۳-۷-۳:
۳۷.....	رابطه‌ی صفات با ذات نزد متکلمین.....	۳-۸:
۴۰.....	نظریه‌ی حکمای اسلامی در مورد رابطه‌ی صفات با ذات خداوند.....	۳-۹:
۴۰.....	بساطت و احدیت خداوند تبارک و تعالی.....	۳-۱۰:
۴۰.....	برهان اثبات بساطت خداوند تعالی در شرح منظومه.....	۳-۱۱:
۴۲.....	رابطه‌ی صفات خداوند تعالی با ذات او در حکمت متعالیه.....	۳-۱۲:
۴۳.....	برهان دیگر اثبات عینیت و اتحاد صفات با یکدیگر و اثبات صفات خداوند تعالی.....	۳-۱۳:
۴۳.....	رابطه‌ی صفات با یکدیگر.....	۳-۱۴:
۴۶.....	بخش دوم: علم خداوند تبارک و تعالی در حکمت متعالیه.....	
۴۷.....	فصل چهارم:.....	
۴۸.....	صفت «علم» خداوند تعالی.....	۴-۱:
۴۸.....	تعریف لغوی «علم».....	۴-۲:
۴۸.....	تعریف علم از نظر فلاسفه.....	۴-۳:
۴۹.....	اقسام علم.....	۴-۴:

۵۰	علم حصولی و علم حضوری.....	۵-۴
۵۱	مصادیق علم حضوری.....	۶-۴
۵۱	علم حضوری علت مجرد به معلول خود در شرح منظومه.....	۷-۴
۵۲	علم فعلی و علم انفعالی.....	۸-۴
۵۳	علم اجمالی و علم تفصیلی.....	۹-۴
۵۴	اثبات علم خداوند به ذات خودش از حاج ملاهادی سبزواری.....	۱۰-۴
۵۶	اثبات علم خداوند به ذات خویش از ملاصدرا.....	۱۱-۴
۵۷	اثبات قاعده ی «کل مجرد عاقل».....	۱۲-۴
۵۸	اثبات علم خداوند به سایر موجودات توسط حاج ملاهادی سبزواری.....	۱۳-۴
۵۸	اضافه اشراقی چیست؟.....	۱۴-۴
۶۳	اثبات علم خداوند به غیر خدا توسط ملاصدرا.....	۱۵-۴
۶۴	سمیع و بصیر بودن خداوند.....	۱۶-۴
۶۵	علم خداوند تعالی به جزئیات.....	۱۷-۴
۶۹	راه حل ملاصدرا برای تبیین علم قبل از ایجاد.....	۱۸-۴
۷۴	فصل پنجم:.....	
۷۵	۱-۵ نظریه های حکما و دانشمندان درباره ی علم خداوند تعالی.....	
۷۵	۱-۱-۵ الف- اقوال کسانی که منکر علم خداوند هستند.....	
۷۷	۲-۱-۵ ب- اقوال کسانی که خداوند را عالم می دانند.....	
۷۸	۱-۲-۱-۵ دسته اول که علم خداوند را منفصل از ذاتش می دانند عبارتند از.....	
۷۸	۱-۱-۲-۱-۵ ۱- قول معتزله.....	

۷۹.....	۲- قول صوفیه (محمی الدین عربی و پیروانش).....	۲-۱-۲-۱-۵
۸۰.....	۳- دیدگاه حکمای اشراق در زمینه ی علم خداوند.....	۳-۱-۲-۱-۵
۸۳.....	نقد دیدگاه حکمای اشراق از نظر ملا صدرا.....	۴-۱-۲-۱-۵
۸۳.....	۴- قول ثالث (طالس) ملطی.....	۵-۱-۲-۱-۵
۸۴.....	۵- قول افلاطون و پیروانش.....	۶-۱-۲-۱-۵
۸۴.....	مُتُل (مثال های) افلاطون از نظر ویل دورانت.....	۷-۱-۲-۱-۵
۸۶.....	دسته ی دوم که علم خداوند را متصل به ذاتش می دانند.....	۲-۲-۱-۵
	۱- دیدگاه مشائین که علم حق را متصل به حق ولی آن را غیر	۱-۲-۲-۱-۵
۸۷.....	ذات حق و زائد بر حق می دانند.....	
۸۹.....	جواب مشائین.....	۲-۲-۲-۱-۵
	۲- آنهایی که علم حق را متصل به حق و عین حق دانسته اند(از	۳-۲-۲-۱-۵
۹۱.....	نوع اتحاد فرفوروسی).....	
۹۳.....	قول حکمای متأخر درباره ی علم حق به سایر موجودات.....	۲-۵
۹۴.....	دیدگاه ملا صدرا در زمینه علم خداوند به سایر موجودات.....	۳-۵
۹۵.....	رابطه علم خداوند و نظام احسن.....	۴-۵
۹۶.....	شبهه ای در خصوص نظام مادی عالم و پاسخ آن.....	۵-۵
۹۸.....	نظام احسن هستی از نظر ابن سینا.....	۶-۵
۱۰۰.....	فصل ششم:.....	
۱۰۱.....	۱- مراتب علم خداوند بر موجودات (مخلوقات).....	۱-۶
۱۰۱.....	۱-۱-۶: عنایت.....	

۱۰۲.....	قلم	:۲-۱-۶
۱۰۳.....	لوح	:۳-۱-۶
۱۰۴.....	قضا	:۴-۱-۶
۱۰۶.....	قدر علمی	:۵-۱-۶
۱۰۷.....	قدر عینی یا سجل الكون	:۶-۱-۶
۱۰۹.....	فصل هفتم:	
۱۱۰.....	نکته های پایانی	:۱-۷
۱۱۴.....	فهرست منابع و مآخذ	

کلیات

مقدمه

بحث درباره ی علم خداوند متعال یکی از دشوارترین مباحث فلسفه ی الهی است و به همین جهت فلاسفه و متکلمین در خصوص آن اختلافات زیادی دارند.

ما موضوع «علم خداوند» را در یکی از والاترین مکاتب فلسفه ی اسلامی به نام «حکمت متعالیه» مورد بحث و بررسی قرار می دهیم تا روشن شود که حکمت متعالیه در خصوص علم خداوند چه رهنمودی دارد.

با توجه به اینکه موضوع رساله ی ما علم خداوند در حکمت متعالیه با تاکید بر شرح منظومه ی حاج ملا هادی سبزواری است، ابتدا تاریخچه ی زندگی حاج ملا هادی سبزواری ذکر شده است. در فصل اول جایگاه مباحث الهیات به معنای اخص در فلسفه، و مختصری از حکمت متعالیه و اصول و روش های آن آمده است.

در فصل دوم اشتراک معنوی مفهوم وجود و اصالت وجود آورده شده است که اهمیت اساسی و بسزا در حکمت متعالیه دارند و بسیاری از مباحث حکمت متعالیه وابسته به اثبات آن ها می باشد. در فصل سوم معنای صفت در لغت و تعریف اصطلاحی صفت در فلسفه و عرفان و کلام آمده است. در ادامه رابطه ی صفات خداوند با ذات خداوند و «بساطت» و «احدیت» خداوند تبارک و تعالی و اثبات عینیت و اتحاد صفات با یکدیگر آمده است.

در فصل چهارم تعریف لغوی و اصطلاحی علم در فلسفه و اقسام علم از قبیل: حضوری و حصولی، فعلی و انفعالی، اجمالی و تفصیلی مطرح شده است. بدنبال این مباحث سخن از اثبات علم خداوند به ذات خودش و اثبات علم خداوند به سایر موجودات از دیدگاه حکمت متعالیه به میان آمده است. که بطور نسبتاً مفصل همراه با دلایل مربوطه بیان شده است.

در فصل پنجم نظریه های حکما و دانشمندان مختلف در خصوص علم خداوند تعالی بیان شده است.

در فصل ششم مراتب علم خداوند تبارک و تعالی بر مخلوقات در شرح منظومه بیان شده است. که عبارتند از:

۱- عنایت

۲- قلم

۳- لوح

۴- قضا

۵- قدر علمی

۶- قدر عینی یا سجلّ الکون

بالاخره در فصل هفتم نکته های پایانی ذکر شده است.

نظریه های متفاوتی در مورد علم خداوند در این رساله ذکر شده است و قول ابوعلی سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا به عنوان نمایندگان سه مشرب فلسفی مشاء و اشراق و حکمت متعالیه مطرح شده است و توجه اصلی این رساله به گزارش و تبیین اقوال از حاج ملاهادی سبزواری می باشد. تبیین حاج ملاهادی سبزواری که در کتاب شرح منظومه او آمده است واجد نکاتی ارزنده است که بایستی در ضمن رساله ای این نکات را گزارش نمود.

از همه ی کسانی که ما را در این راه یاری کردند کمال تشکر را داریم.

بیان مسئله

تلاش فکری فیلسوفان اسلامی در جهت یافتن باورهایی در زمینه های مختلف اعتقادی، متوجه یافتن مفهوم واضح و موجه از علم خداوند به ذات و مخلوقات خود گشته است. آن ها در این راستا به مفاهیم بدیهی وقوف یافتند و مسائل مهمی را در این زمینه حل نمودند. حکمت متعالیه صدرا نیز به این مسئله اهتمام وافر مبذول داشته است و در حل معضلات آن از امتیاز ویژه ای برخوردار گشته است در این رساله تلاش می شود تا این اعتقاد از منظر این حکمت مورد بررسی قرار گیرد و دست آورد های آن مورد تعمق واقع شود و به مسائلی که ذیلاً به آن اشاره می شود پاسخ داده می شود. علم نامتناهی خدا نسبت به ذات خود و براهین آن، علم نامتناهی خدا به غیر ذات خود و مخلوقات خود، کشف اجمالی در عین کشف تفضیلی.

پیشینه ی بحث

نگارنده جهت پربار ساختن رساله ی خود به کتب و تحقیقات و رساله های مختلف مراجعه نمود ولی در خصوص «علم خداوند در حکمت متعالیه با تاکید بر شرح منظومه» منبع مستقل و جامعی پیدا نکرد لذا بر نوشتن رساله ی خود مصمم تر شد و علم خداوند را در ابعاد مختلف در این پژوهش مورد بحث و کنگاش قرار داد.

سوالات تحقیق

تعریف علم خداوند و یافتن مفاد متقن و موجهی از این صفت
اثبات این صفت از طریق برهان لم و ان
رابطه این صفت با ذات خداوند
رابطه این صفت با صفات دیگر خداوند
فرضیات تحقیق

جهان هستی مخلوقات خداوند است و خداوند خالق است که واجد کمالاتی می‌باشد. کمالات خداوند نامتناهی و نامحدود است. خداوند کمال بی‌نهایتی واجد است و نقص و حدی را در دارا بودن کمالاتی ندارد. از جمله کمالات متصور برای ذات خداوند، خالق بودن آن است خداوند خلق می‌کند و خلقت اقتضای ذات خداوند می‌باشد.

بررسی منابع

۱. «الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه» مرحوم صدر المتاهلین شیرازی
۲. «شرح منظومه» مرحوم حاج ملاهادی سبزواری
۳. «اسرار الحکم» حاج ملاهادی سبزواری
۴. «المظاهر الالهیه» مرحوم صدر المتاهلین
۵. «نهایه الحکمه» علامه سید محمد حسین طباطبائی
۶. «المشاعر» صدر المتاهلین شیرازی
۷. «مفاتیح الغیب» صدر المتاهلین شیرازی
۸. «الشواهد الربوبیه» صدر المتاهلین شیرازی
۹. شروح و تعلیقه های مختلف شرح منظومه از حاج شیخ محمد تقی آملی و میزا مهدی مدرس آشتیانی و هیدجی و امام خمینی (ره) و آیت الله سید رضی شیرازی و استاد شهید مطهری رحمه الله علیه

مواد و روش‌ها (روش تحقیق)

پژوهش از نوع کتابخانه‌ای خواهد بود و به طریق تحلیلی و توصیفی و توضیحی می‌باشد.

نتایج مورد انتظار

آشنایی با علم نامتناهی نسبت به ذات خود، مخلوقات خود و کیفیت علم به اشیاء

معیار ارزیابی موفقیت تحقیق

انسجام صوری و ساختاری پایان نامه و مستند بودن مباحث مطرح شده و استفاده از منابع اولیه نظیر «الاسفار العقلیه الاربعه» و «شرح منظومه» و اسرارالحکم حاج ملاهادی سبزواری و المظاهر الالهیه مرحوم ملاصدرا و ... و مستدل بودن تحلیل‌ها و بررسی‌ها و فصاحت و بلاغت مطالب ارائه شده.

کلمات کلیدی

لاتین	معادل فارسی	ردیف
The knowledge of God	علم خدا	۱-
Endless in finite knowledge of God	علم نامتناهی خدا	۲-
Cosmology	جهان بینی	۳-
Behavior	ایدئولوژی	۴-
Morality	اخلاق	۵-
Transcendental wisdom	حکمت متعالیه	۶-
Divine essence	ذات الهی	۷-
Creation	مخلوقات	۸-
Aposterioride monstration	برهان انی	۹-
Apriori demonstration	برهان لمی	۱۰-
Wise	عاقل	۱۱-
Abstract	مجرد	۱۲-
Presence	حضور	۱۳-
acquiremently	حصولی	۱۴-

زندگینامه حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ هـ. ق - ۱۲۸۹ هـ. ق)

حاج ملاهادی سبزواری یکی از مشهورترین فیلسوفان و حکیمان ایرانی در قرن سیزدهم هجری قمری یکی از برجسته ترین حکیمان قرون اخیر به شمار می آید. سبزواری حکیمی معروف و عالمی مشهور و زاهدی خدا دوست بود. در جهان حکمت و فلسفه، منطق و کلام، استاد، و در فقه و اصول، حدیث و تفسیر نیز مهارت داشت به فارسی و عربی شعر می گفت و تخلص او «اسرار» بود. دیوان اشعارش در تهران چاپ شده است.

حاج ملا هادی سبزواری در سال ۱۲۱۲ هـ ق در سبزواری متولد شد و در سال ۱۲۸۹ هـ ق چشم از جهان بر بست.

در سن هفت یا هشت سالگی به آموختن صرف و نحو مشغول شد. پدرش هنگام مراجعت از سفر حج، در شهر شیراز در گذشت. حاج ملا هادی تا ده سالگی را در سبزواری گذراند و سپس همراه حاج ملاحسین سبزواری یکی از بستگان نزدیکش به مشهد رفت و نزد وی به ریاضات و تزکیه و تهذیب نفس پرداخت ضمن آنکه علوم عربیه و فقهیه، و اصولیه، و منطق و ریاضی را نیز از او آموخت. ده سال همراه حاج ملاحسین سبزواری در جوار معصوم به سر برد. چون از علوم نقلیه و دینیه حظ وافر یافته بود شوق به حکمت در او زیاد گشت پس در حالیکه اموال و املاک بسیار را جا گذاشت از خراسان به سوی اصفهان حرکت کرد و قریب هشت سال در اصفهان ماند و به تزکیه و تهذیب نفس و تحصیل علوم حقیقیه پرداخت و اغلب اوقات را صرف تحصیل حکمت اشراق نمود. در نزد ملا اسماعیل اصفهانی به مدت پنج سال حکمت آموخت و چون ملا اسماعیل اصفهانی رحلت کرد، دو، سه سالی در درس خصوصی حکمت ملا علی نوری استاد ملا اسماعیل اصفهانی، شرکت کرد. در اوایل ورود به اصفهان دو سال از درس فقه آقا محمد علی مشهور به نجفی استفاده برده بود.

پس از هشت سال اقامت در اصفهان در سن بیست و هشت سالگی از اصفهان عازم خراسان شد و به مدت پنج سال در مشهد مقدس به تدریس حکمت و فقه و تفسیر پرداخت.

سپس عازم سفر حج شد، که این سفر دو، سه سال طول کشید. پس از مراجعت، در دارالمومنین سبزواری به تدریس حکمت مشغول شد.

حاج ملا هادی سبزواری در سراسر عمر به سادگی زیست و خود را آلوده مقام ننمود، و هرگز ادعای قطیبت و کشف و کرامت نکرد، و با اینکه اسباب ریاست برای او فراهم بود، هرگز به چشم طمع بر آن ننگریست. بعد از رحلت حاج ملا هادی سبزواری یکی از شاگردان او این شعر را سرود:

«اسرار» چو از جهان بدر شد از فرش به عرش ناله بر شد

تاریخ وفاتش از پرسند گویم که نمرد، زنده تر شد

چندی از آثار حاج ملا هادی سبزواری:

(۱) شرح منظومه، این کتاب در باب حکمت در هفت مقصد از قبیل:

۱- امور عامه

۲- جوهر و عرض

۳- الهیات

۴- طبیعیات

۵- نبوات و منامات

۶- معاد

۷- اخلاق

نوشته شده و به نام غررالفرائد نیز مشهور است.

(۲) شرح منظومه منطق

(۳) اسرار الحکم

(۴) شرح بعض اشعار مغلقه مثنوی

(۵) دیوان اسرار (سبزواری به اسرار تخلص می کرد.)

(۶) حاشیه بر اسفار ملاصدرا

(۷) حاشیه بر الشواهد الربوبیه ملاصدرا

(۸) حاشیه بر زبده الاصول شیخ بهایی

(۹) شرحی بر دعای صباح

و...^۱

۱ - منابع زندگینامه:

- ۱- دایره المعارف بزرگ زرین جلد اول مدخل حاج ملا هادی سبزواری.
- ۲- فرهنگ عمید تاریخ - جغرافیا مدخل ملا هادی سبزواری.
- ۳- علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی ص ۲۶۸.
- ۴- اسرار الحکم با مقدمه و حواشی حاج میرزا ابوالحسن شعرانی ص ۱۶ و ۱۸.
- ۵-مجله یادگار سال اول شماره ۳ صفحه های ۴۷-۴۵.

بخش اول: درآمدی بر مسأله ی علم خداوند
تبارک و تعالی

فصل اول:

**جایگاه مباحث الهیات به معنای اخص در فلسفه و
حکمت متعالیه، اصول و روش**

۱-۱: جایگاه مباحث الهیات به معنای اخص در فلسفه

کلمه فلسفه یا حکمت در اصطلاح قدیم، غالباً به معنی دانش عقلی در مقابل دانش نقلی^۱ بکار می‌رفت و لذا مفهوم این لفظ شامل همه اندیشه های عقلانی و فکری بشر بود که به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شد.

فلسفه نظری آن علمی است که درباره اشیا آن چنان که هستند بحث می‌کند. فلسفه عملی آن است که درباره افعال و کارها و رفتار انسان آن چنانکه باید و شایسته است باشد بحث می‌کند.

فلسفه ی نظری شامل سه بخش می‌شود:

۱. الهیات یا الهیات بالمعنی الاعم یا فلسفه ی علیا

۲. ریاضیات یا فلسفه وسطا (علم اوسط)

۳. طبیعیات یا فلسفه سفلا (علم أدنی)

الهیات یا فلسفه علیا بخش برتر فلسفه یا حکمت محسوب می‌شود و از دیگر بخشها کلی تر و عامتر است. گاهی فلسفه فقط به این بخش (الهیات) اطلاق می‌شود (مطهری، بی تا: ۱۲۷-۱۲۸). در اصطلاح حکمای اسلامی مسائل مربوط به خداوند از قبیل اثبات وجود خدا، وحدت وی، صفات ثبوتیه و سلبيه او، عموم و شمول قدرت و مشیتش، جبر و تفویض، خیر و شر، صدور کثیر از واحد، عوالم کلی وجود و برخی مباحث و مسائل دیگر^۲ «الهیات بالمعنی الاخص»^۳ نامیده می‌شود... عبارت دیگر مباحث فلسفی در یک تقسیم بندی به مباحث عام و خاص تقسیم شده است. مباحث عام فلسفی مربوط به آن دسته از مباحث فلسفی می‌باشد که پیرامون وجود بحث می‌نماید. وجود شناسی مبنای اساسی این بخش از فلسفه را تشکیل می‌دهد و فیلسوف در صدد آن است که به احکام و عوارض وجود دست یابد. در این بخش از فلسفه، وجود

۱ - علم لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، حدیث و ...

۲ - نظیر اتحاد و عینیت صفات خدا با ذات خدا، مراتب علم خداوند تبارک و تعالی، هدف خداوند از آفرینش، افعال خداوند تعالی، ربط حادث به قدیم، قاعده امکان اشرف و ...

۳ - در خصوص وجه تسمیه آن رجوع شود به شرح منظومه مطهری جلد ۲ ص ۱۰۴ تا ۱۰۹ در انتهای همین مبحث مختصری از آن آورده می‌شود.

بدون آنکه تخصص یابد و در وجه خاصی مورد نظر قرار گیرد، مورد توجه قرار می گیرد و موضوع بحث واقع می گردد.^۱

در فلسفه ی علیا یا اولی از امور عامه بحث می شود «امور عامه» عبارت است از معانی و مفاهیمی که به هیچ نوع خاص و مقوله خاص از موجودات، اختصاص ندارد یعنی اتصاف موجودات به آنها نیازمند به این نیست که آن موجود، مقوله خاص و یا جنس خاص یا نوع خاصی باشد، در فلسفه اولی که از «وجود بما هو وجود» بحث می شود مباحثی همچون مباحث وجود و عدم، وجوب و امکان و امتناع، ماهیت، قوه و فعل، حدوث و قدم، وحدت و کثرت، علت و معلول، جوهر و عرض (همان، ۱۴۰۲هـ.ق: ۱۰۱/۲).

«امور عامه» (این دسته از مباحث در فلسفه ی اولی را اصطلاحاً الهیات بالمعنی الاعم نیز نامیده اند) و «الهیات بالمعنی الاخص» را نباید دو علم و دو فن مستقل به شمار آورد، این دو قسمت مجموعاً فن واحد و علم واحدی را تشکیل می دهند و موضوع واحدی دارند که عبارت است از «موجود بما هو موجود» یعنی با آنکه به نظر می رسد الهیات بالمعنی الاخص از آن جهت که اختصاص دارد به مسائل مربوط به خدا، باید علم و فن مستقلی شمرده شود، آن را جدا و مستقل نشمرده اند بلکه مسائل آن را جزء علم دیگر که «علم وجود» است و موضوعش «موجود بما هو موجود» است، به حساب آورده اند. زیرا معتقدند که مسائل الهیات بالمعنی الاخص جزء احکام «موجود بما هو موجود» است، الهیات بالمعنی الاعم در مقابل مباحثی قرار دارد که الهیات بالمعنی الاخص نام دارد و پیرامون مبدأ جهان هستی بحث می نماید بر خلاف مسائل ریاضی و طبیعی که حسابی جداگانه و مستقل دارد. و معتقدند که مسایل الهیات بالمعنی الاخص، مستقیماً از مباحث امور عامه استنتاج می شود، همچنانکه روش تحقیق در مسایل الهیات بالمعنی الاخص نیز عیناً همان روش تحقیق در امور عامه است (همان: ۱۰۱-۱۰۲).

۱- هنگامیکه وجود در وجه خاصی مورد توجه قرار گیرد، در طبیعیات یا ریاضیات یا در علومی که از اقسام این علوم محسوب می شود، مورد بررسی قرار می گیرد و وجود با توجه به آن وجه خاص، موضوع این علوم واقع می گردد. وجودی که کمیت دار باشد و کمیت یافته باشد، از این لحاظ، موضوع ریاضیات خواهد بود، و وجودی که جسمانی شده باشد و موجودی جسمانی باشد، از این لحاظ در طبیعیات از آن بحث می شود و هر قدر تخصص این دو موجود (جسمانی و کمیت دار) ازدیاد یابد، در علوم خاص تر از طبیعیات و ریاضیات از آن بحث می شود.